

فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)  
(علمی-پژوهشی)  
سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی سوم، بهار ۱۳۹۰

عبدالوہاب البیّاتی و حافظ شیرازی

دکتر احمد پاشا زانوس\*

استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - قزوین

چکیده

عبدالوہاب البیّاتی (متوفای ۱۹۹۹ م) یکی از شاعران بزرگ و نامدار جهان معاصر عرب به حساب می آید. او در بخشی از آثار و سروده های خود تحت تأثیر بزرگان شعر و ادب ایران از جمله ؛ حافظ و خیّام قرار گرفته. در این نوشتار، میزان نفوذ اندیشه ها و افکار عرفانی لسان الغیب در اشعار و افکار عبدالوہاب البیّاتی مورد بررسی قرار می گیرد، از جمله؛ قصیده «بکائیهً إلی حافظ الشیرازی» این شاعر بزرگ و معاصر عراقی که به تأثیرپذیری از افکار و اندیشه های عرفانی حافظ سروده شده تحلیل و بررسی می گردد. توجه به مفاهیم عرفانی موجود در این قصیده و میزان تأثیرپذیری البیّاتی از مشرب عرفانی حافظ؛ از دیگر مواردی هستند که نگارنده به آنها خواهد پرداخت. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واژگان کلیدی

حافظ شیرازی، عبدالوہاب البیّاتی، شعر عرفانی، ادبیات تطبیقی، فارسی و عربی.

تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۰/۰۳/۱۵

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۱

نشانی پست الکترونیکی: ahmad\_pasha95@yahoo.com

## ۱- مقدمه

فرهنگ و ادبیات ملل جهان، به ویژه ملل برخوردار از پیشینه ارزشمند فرهنگی، تاریخی و ادبی، پیوسته با یکدیگر در تعامل بوده، هست و خواهد بود، این تعامل و همکاری خاصه، در مورد ادبیات و فرهنگ ملل مجاور که از روابط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و دینی و ادبی گسترده تری برخوردار بوده و هستند، بیشتر از دیگر موارد بوده است. در این میان، از مجموعه ادبیات های بزرگ ملل خاور زمین شاید هیچ فرهنگ و ادبیاتی به اندازه ادبیات فارسی و عربی با یکدیگر تعامل و همکاری نداشته اند. اثرپذیری و اثرگذاری هر یک از این دو زبان و ادبیات از یکدیگر به حدی است که استقصای بلیغ آن مدتهای طولانی وقت می گیرد (ندا، ۱۹۹۴: ۹۵) که البته از حوصله و موضوع این مقاله بیرون است. چرا که در این مختصر سعی ما بر آن است تا به بررسی گوشه ای از این ارتباط ادبی میان ادب فارسی و عربی بپردازیم. در این رابطه، قصد بررسی اندازه توجه و عنایت شاعر بزرگ و معاصر عرب، عبدالوهاب البیاتی به شعر و افکار عارفانه حافظ شیرازی، شاعر بزرگ قرن ۸ ایران را داریم. البته گستره تاثیر حافظ بر شاعران و ادیبان عرب (گذشته از غرب) بسیار پر دامنه است، شاعران و نویسندگان فراوانی در جهان عرب چه در گذشته و چه در عصر حاضر، متوجه حافظ و اهمیت فکر و آثار او بوده اند و هر یک از آنها به نحوی وارد موضوع حافظ شیراز گردیده اند، و در بسیاری موارد به او تاسی جسته اند و از او به تحسین و بزرگی یاد نموده اند. (آذر، ۱۳۸۷: ۹۳) که در جای خود قابل بحث و بررسی هستند. عبدالوهاب البیاتی، شاعر بزرگ جهان معاصر عرب، یکی از این افراد برجسته است.

همانطور که گفتیم شاعران و ادبای عرب، به شاعران و بزرگان ادب ایران، از جمله؛ حافظ توجه قابل ملاحظه ای داشته اند، البته این تنها حافظ نیست که مورد اقبال شاعران عرب قرار گرفته، بلکه دیگر بزرگان ادب ایران، از قبیل، سعدی، جامی، نظامی، خاقانی، فردوسی، عطار، سنایی و مولوی و ... نیز پیوسته مورد توجه شاعران عرب بوده اند، حتی شاعران معاصر ایران از قبیل؛ ملک الشعرای بهار، شهریار، نیما یوشیج، شاملو، فروغ فرخزاد و ... گروهی دیگر نیز از سوی شاعران و ادبای معاصر عرب مورد عنایت واقع گردیده اند. به عنوان مثال؛ میان مرحوم ملک الشعرای بهار و جمیل صدقی الزهاوی و پاره ای دیگر از شاعران معاصر عرب، ارتباط هایی برقرار بوده و از جمله مرحوم ملک الشعرای بهار، در سوگ جمیل الزهاوی اشعاری سروده. (بهار ۱۳۶۸: ۲۷۱)

محمود سامی البارودی ، شاعر بزرگ مصر ( متوفای ۱۹۰۴ ) خود به زبان فارسی شعر می سروده. (اسکندری، ۱۹۳۴:۱۹۵)

شبلی الملائط ، شاعر مسیحی و معاصر لبنانی، اشعار فراوانی درباره ایران و حوادث تاریخی آن سروده است، قصیده «شیرین الفارسیه» از آن جمله است. (محمدی، ۱۳۷۰:۲۸) بشاره خوری، مشهور به اخطل صغیر، دیگر شاعر معاصر لبنان در نکوداشت هزاره فردوسی قصیده بلند «الفردوسی» را سروده (همان: ۱۴۵)

خلیل مطران ( متوفای ۱۹۴۹ ) دیگر شاعر معاصر و بزرگ لبنان در باب مقتل بزرگمهر، حکیم ایران، قصیده بلندی سروده و این حادثه تاریخی را به زیبایی به نظم کشیده. (محمدی، ۱۳۷۰:۷۴) هم چنین او قصیده «ابنه بزرگمهر» را هم به نظم کشیده. (مطران، ۱۹۸۴:۱۳۴)

و البته از این قبیل کوشش ها در جهان معاصر عرب فراوان صورت گرفته که از حوصله و موضوع بحث این مقاله بیرون است. توجه و رویکرد به حافظ به عنوان یک شخصیت ادبی جهان منحصر به اعراب و ملل عرب زبان و یا مسلمان نیست. لسان الغیب، به عنوان بخشی از ادبیات جهانی است. (زیبایی، ۱۳۷۶:۱۴۰) بنابراین در سراسر دنیا مورد توجه قرار گرفته، از جمله در اروپا و آمریکا، حتی در عثمانی قدیم و ترکیه امروز، شرح مستوفای سودی افندی بر دیوان حافظ نمونه ای از آن است. (زرین کوب، ۱۳۷۴:۶۲) اروپائیان، به طور جدی از قرن ۱۸ به بعد متوجه گنج معرفت حافظ گردیدند. در آلمان، گوته که خود از معماران کاخ بزرگ اندیشه ادبیات جهانی است، در دیوان شرقی خود به ایران و حافظ می پردازد. گوته هنگام بیان شور درونی خود می گفت «مثل این است که خود را در محفل حافظ می یابم». (شفا، ۱۳۳۳:۱۳)

او در دیوان شرقی خود سخن حافظ را همچون ابدیت بزرگ می داند، حافظ را فردی آسمانی می داند و آرزو می کند که تنها در کنار او باشد. (شفا، ۱۳۳۷:۱۳)

در میان بزرگان ادب فرانسه، ویکتور هوگو، که خود از رهبران رومانتیسم در قرن ۱۹ میلادی است از دوره جوانی و به سال ۱۸۲۲ با حافظ و افکار او آشنا گردید و این بیت حافظ را در صدر دیوان شعر خود نهاد تا علاقه و دلبستگی خود به حافظ را بیان نماید.

حال دل با تو گفتنم هوس است سخن دل شفتنم هوس است

( حدیدی، ۱۳۷۳:۳۳۴ )

آندره ژید که خود از طریق گوته آلمانی با حافظ آشنا شده بود می گوید: « من پیوسته سعادت خود را از راه عمومی نمودن امور حاصل می کنم به گونه ای که آنچه را که داشتم

، به سان ساغری که به حافظ مستی می داد قابل انتقال به دیگران نموده ام . « ( هنرمندی ، ۱۳۴۹:۱۲۱ )

و البته دهها شاعر و ادیب دیگر غربی و اروپائی ، هر یک به نحوی یا تحت تاثیر حافظ قرار گرفته اند و یا حداقل افکار و اندیشه های او را مورد توجه قرار داده اند . همانطور که بیشتر بیان شد ادبا و پژوهشگران معاصر عرب نیز به حافظ عنایت ویژه ای داشته اند . ایشان، کتابها و مقالات فراوانی درباره شخصیت، شعر و جایگاه حافظ در ادبیات جهانی تحریر و تألیف نموده اند. ما در اینجا به جهت رعایت اختصار فقط به مواردی از آنها اشاره می نماییم:

- ۱- الکلمات و المصطلحات العربیه فی أشعار حافظ الشیرازی، نوشته امین موتابحی
- ۲- حافظ الشیرازی، شاعر الغناء و الغزل فی ایران، نوشته ابراهیم امین الشواربی، مصر
- ۳- أغانی شیراز، ترجمه دیوان حافظ، از ابراهیم امین الشواربی، مصر
- ۴- رباعیات حافظ الشیرازی ، ترجمه از انگلیسی، احمد زکی ابو شادی ، مصر
- ۵- روائع من الشعر الفارسی (مختارات من سعدی و حافظ و مولانا) ترجمه محمد الفراتی، سوریه.

و البته اینها فقط بخشی از پژوهشهای مربوط به حافظ در جهان معاصر عرب می باشند و نه همه آنها، تحقیق همه آنها فرصتی جداگانه می طلبد.

یکی از این شاعران بزرگ جهان معاصر عرب ، عبد الوهّاب البیّاتی است که به گونه ای بسیار قابل توجه به مشرب عارفانه حافظ شیرازی متمایل شده است و بی تردید ، آن طور که از سبک و سیاق قصیده او پیداست ، از حافظ و افکار او تاثیر پذیرفته است . (سنیر، ۱۷ :۲۰۰۲)

عبد الوهّاب البیّاتی از عمر خیّام هم فراوان متأثر شده، او حتّی از نیشابور، شهر محل تولد خیام و معشوقه خیام «عائشه یا خزامی» هم تأثیر پذیرفته و این سخنی است که البیّاتی خود بدان معترف گشته است (البیّاتی، ۱۹۶۸:۲۴) همچنین در باب تأثیر پذیری البیّاتی، از خیام مقالاتی مستقل در مجلات ادبی جهان عرب چاپ شده است برای مطالعه بیشتر ، (ر.ک. صالح، ۱۹۶۹)

فزون بر این، البیّاتی دو دیوان دارد که عمده اشعار آنها پیرامون خیام و افکار فلسفی او سروده شده اند. یکی دیوان «الذی یأتی و لایأتی» و دیگری دیوان «الموت فی الحیاة» اصولاً تأثیر پذیری البیّاتی از ادبیات و فرهنگ ایران محدود به حافظ یا خیام نیست ، با توّرق آثار و اشعار البیّاتی می توان به عمق تأثیر پذیری او از ادبیات و فرهنگ ایران پی

برد . به عنوان مثال، قصایدی چون، عذاب الحلاج، اللیل فوق نیشابور، بکائیة نیشابور، شیء من الف لیلة، المجوسی، هكذا قال زرادشت، قراءة فی کتاب اللطواسین للحلاج، مقاطع من عذابات فریدالدین عطار، قراءة فی دیوان شمس تبریز تنها نمونه هایی از این موضوع هستند. (البیاتی، ۲۰۰۸: ۹ به بعد)

قبل از ورود به بحث لازم است، مختصری پیرامون عبدالوہاب البیاتی و جایگاه او در شعر جهان معاصر عرب و جهان، مطالبی را قلمی نمائیم.

## ۲- عبدالوہاب البیاتی کیست؟

عبدالوہاب البیاتی، جهانی ترین شاعر معاصر عرب و از اولین پیشگامان شعر امروز عرب است او در سال ۱۹۲۶ م در بغداد به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۹ م درگذشت تحصیلات خود را در بغداد در رشته زبان و ادبیات عرب به پایان رسانیده مدتی به تدریس و نویسندگی در مطبوعات عراق پرداخت ولی به سبب فعالیت‌های سیاسی در سال ۱۹۵۴ از کار برکنار و بازداشت شد. سپس به سوریه و بیروت و قاهره رفت، پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ به عراق بازگشت و سپس از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۶۴ در شوروی اقامت کرد. و به تدریس در دانشگاه های مسکو و انسیتوی ملل آسیا پرداخت. (الخیاط، ۱۹۷۰: ۱۳۵) در سال ۱۹۶۴ بار دیگر به مصر رفت. بعد از آن ده سال در اسپانیا مقیم شد. و در آنجا کارهای ادبی و مهمی انجام داد، به گونه ای که تمام آثار او به زبان اسپانیایی ترجمه شد. آخرین بار در سال ۱۹۹۰ به عراق بازگشت. ولی بار دیگر ناگزیر راهی اردن گردید، چند ماهی قبل از مرگش به ایران آمد، حاصل این سفر دیوان اشعاری است که تحت عنوان «ماه شیراز» منتشر شده است، هم چنین نمایشنامه ای با عنوان «محاکمة فی نیشابور» را به همین مناسبت نوشته است. او با بزرگان شعر و ادب جهان چه در جهان عرب و چه در غرب و دیگر جاهها ارتباط تنگاتنگی داشت، او با افرادی همچون ناظم حکمت، نرودا، اوکتاویوپاز، رافائل آلبرتی، رسول حمزا توف، مارکز، یاشار کمال و دیگران رابطه های ادبی و شعری داشته است. (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۴۲)

او در شعر نخست سرآمد واقع گرایانی سوسیالیست بود، و سپس به مشرب اومانسیم و عرفانی متمایل شد و دقیقا همین گرایش فکری، موجب توجه او به حافظ شیرازی و گروهی دیگر از شاعران عرفانی ایران شده است (جاسم، ۱۹۹۰: ۲۷) و توجهی که در شعر «بکائیة الی حافظ الشیرازی» متبلور گردیده است.

اغلب شعرهای او به زبانهای زنده دنیا، از قبیل: انگلیسی، آلمانی، فرانسه، اسپانیایی، روسی و فارسی ترجمه شده است.

مقاله ها ، کتابها و رساله های گوناگون به زبانهای مختلف دنیا درباره زندگی ، آثار و سبک شعری او منتشر گردیده است او در این رابطه جایگاه ویژه ای دارد ، شاید بالغ بر ۴۰ رساله دکتری در سراسر جهان درباره او به رشته تحریر درآمده است ، هم چنین فزون به ۱۰۰۰ ، پایان نامه لیسانس و کارشناسی ارشد درباره او و شعر او نوشته شده است ، شرق شناسان و نویسندگان مشهور ، کتابها و مقالات زیادی درباره او به رشته تحریر درآورده اند . (البیّاتی، ۱۹۹۳:۱۳۰)

از جمله دکتر احسان عباس ، کتاب « عبدالوّهّاب البیّاتی و شعر جدید عراق » را در سال ۱۹۵۶ درباره او به رشته تحریر درآورده است.(عباس، ۱۹۵۴:۱۷) همچنین ، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ، در کتابی تحت عنوان «آوازه های سند باد» بخش های مهمی از شعر او را به فارسی ترجمه کرده است، او در این کتاب مقدمه جامعی هم درباره سبک شعری البیّاتی نگارش نموده است .

دکتر شفیعی کدکنی در کتاب شعر معاصر عرب هم درباره عبدالوّهّاب البیّاتی و شعر او مطالب ارزشمندی را بیان نموده است.(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰:۷۹) هم چنین عرفان غریفی مجموعه شعرهای «تبعید» و «چشمان سگهای مرده» او را به فارسی ترجمه نموده است . و یوسف عزیزی بنی طرف هم پاره ای از اشعار او را در کتاب « آوازه های خون » به فارسی ترجمه نموده است .

### ۳- مختصری درباره آثار شعری و ادبی عبدالوّهّاب البیّاتی

عبدالوّهّاب البیّاتی از شاعران و نویسندگان بسیار پرکار جهان معاصر عرب است او تقریباً ۳۰ مجموعه بزرگ شعری ، و چندین کتاب و نمایشنامه و ترجمه از خود بیادگار نهاده است از مهمترین مجموعه های شعری او که به صورت های مختلف در کشورهای عربی و غیر عربی چاپ شده است به قرار ذیل هستند.

۱- فرشتگان و شیطان - بیروت (۱۹۵۰)

۲- ابریق های شکسته (۱۹۵۴)

۳- بغداد نامه به ناظم حکمت و اشعار دیگر ، بیروت (۱۹۵۶)

۴- شکوه کودکان و زیتون را باد ، قاهره (۱۹۵۶)

۵- شعرهای تبعید ، قاهره ، (۱۹۵۷)

۶- بیست شعر از برلن (۱۹۵۹)

۷- بغداد ، واژه هایی که نمی میرند ، بیروت ( ۱۹۶۰)

۸- راه آزادی ، مسکو ، (۱۹۶۲) این دفتر به روسی و فارسی هم ترجمه شده است

- ۹- آتش و کلمات ، بیروت (۱۹۶۴)
- ۱۰- از اشعار ، قاهره / ۱۹۵۶
- ۱۱- دفتر فقر و انقلاب / بیروت ۱۹۶۵
- ۱۲- بیروت ، آنکه می آید و نمی آید / ۱۹۶۶ ، بیروت
- ۱۳- مرگ در زندگی ، ۱۹۶۸ ، بیروت
- ۱۴- بیروت ، چشمان سگهای مرده / ۱۹۶۹ ، بیروت
- ۱۵- نوشته ای بر گل ، ۱۹۷۰
- ۱۶- کتاب دریا ۱۹۷۵
- ۱۷- زندگی نامه دزد آتش ۱۹۷۶
- ۱۸- صحرای سالهای روشنایی ۱۹۷۹
- ۱۹- تجربه های شعری من ، بیروت ۱۹۶۸
- ۲۰- یادداشت های سیاستمداری سوخته ، بیروت ۱۹۷۰
- ۲۱- نوشتن بر گل ، بیروت ۱۹۷۰
- ۲۲- بوستان عائشه ، ۱۹۸۹
- ۲۳- پنجاه قصیده عاشقانه ۱۹۹۷
- ۲۴- چشمه های خورشید ۱۹۹۹
- ۲۴- کتاب مرثیه ها ۱۹۹۵
- ۲۵- شعرهای عاشقانه بر هفت دروازه جهان ۱۹۷۱
- ۲۶- قلمرو ملوکانه خوشه ۱۹۷۹
- ۲۷- دریا دور است ، صدای آه کشید نش را می شنوم (۱۹۸۸)
- ۲۸- متون شرقی (۱۹۹۹)

عبدالوهاب البیاتی را به حق می توان پدر شعر نو عرب دانست . او به اتفاق افرادی همچون ، بدرشاگرد السیاب و نازک ملائکه، که همه عراقی هستند، توانستند از سال ۱۹۷۴ به بعد ، آغازگر تحولات عمیقی در شعر نو عرب باشند . این تحولات و حرکت جدید با همکاری شاعران دیگر کشورهای عرب ، از قبیل؛ صلاح عبد الصبور مصری، نزار قبانی سوری ، یوسف الخال و ادونیس از لبنان و فدوی طوقان ، معین بسیسو ، از فلسطین ، همراه گردد.

شعرالبیاتی ، همچون شعر گروه گسترده ای از شاعران معاصر عرب ، غالباً شعری سراسر اندوه ، غم ، عاطفه ، مبارزه و آرمان گرا می باشد . (عباس، ۱۹۵۴:۲۳)

منتقدان شعر معاصر عرب، البیّاتی و بلند الحیدری را از شاعران واقع گرای سوسیالیست عرب می دانند. او در سال ۱۹۵۴ به علت همین تمایلات از عراق آواره شد و حکومت وقت عراق در سال ۱۹۶۳ شناسنامه و گذرنامه عراقی وی را باطل نمود.

#### ۴- بحث

همانطور که در مقدمه بیان گردید، عبدالوّهّاب البیّاتی شاعر بزرگ و معاصر جهان عرب، به عنوان یک شاعر و شخصیت جهانی مطرح گردیده است و جایگاه خاص خود را در میان اهل ادب پیدا کرده است او در طول حیات شعری خود، متوجه آثار و افکار شاعران بزرگ جهان بوده است، از آنها الهام گرفته و تاثیر پذیرفته و با مطالعه و کنکاش در آثار آنها محتوای شعری خود را غنای روز افزون بخشیده است.

اشعاری در ستایش از رافائل آلبرتی اسپانیایی، خورخه لوئیس بورخیس و ناظم حکمت و... سروده است.

او، ظاهراً چند ماهی قبل از مرگش در تیرماه ۱۳۷۳ به ایران مسافرت می کند، حاصل این سفر تأمل در شعر حافظ شیراز است که در قصیده ای با عنوان «بکائیه الی حافظ الشیرازی» ( مویه نامه ای برای حافظ شیرازی) تبلور پیدا می کند. البته نمایشنامه «محاکمه فی نیشابور» و «ماه شیراز» را هم باید به اینها افزود که از موضوع بحث ما خارج است. لذا بررسی آنها را به وقت دیگری وا می گذاریم.

#### ۵- بررسی قصیده، عبدالوّهّاب البیّاتی درباره حافظ شیرازی با عنوان

« بکائیه الی حافظ الشیرازی: مویه نامه ای برای حافظ شیرازی »

قصیده یاد شده ۱۲ بند و حدود ۸۱ بیت دارد که در قالب شعر نو « سپید » سروده شده است. مروری بر متن قصیده و محتوای آن نشان می دهد که البیّاتی، بعد از مطالعاتی فراوان پیرامون حافظ با سبک و مشرب عرفانی او تا حدود زیادی آشنا شده است. به گونه ای که اگر او این اطلاعات را نداشت، نمی توانست به این خوبی از عهده سرودن این قصیده برآید. البته ناگفته پیداست که تمایل و گرایش خود شاعر به مشرب عرفانی و صوفیانه در خلق این قصیده زیبا درباره حافظ، نقش مهمی ایفا کرده است. اینک به بررسی اجزا و ارکان مهم این قصیده می پردازیم.

#### ۵-۱- حافظ، « پادشاه شعر، حافظ «نوه پادشاهان»

البیّاتی به حق حافظ را « پادشاه شعر » معرفی می کند و می گوید:

مَاذَا أَسْمِيكَ فَأَنْتَ مَلِكُ الشُّعْرِ ( البیّاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۴)

و در جایی دیگر حافظ را «نوه پادشاهان» می داند:



یا حَفِیدَةَ الْمُلُوكِ ( همان: ۲۴۶)

و این همان چیزی است که در شعر خود حافظ نیز در موارد قابل توجهی مشهود است .  
حافظ گوید :

ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی      در فکرت تو پنهان صد حکمت الهی

( حافظ، ۱۳۷۵: ۲۸۱ )

ای قباى پادشاهی راست بر بالای تو      بنست تاج و نگین از گوهر والای تو  
آفتاب فتح را هر دم طلوعی می دهد      از کلاه خسروی رخسار مه سیمای تو

( همان: ۲۳۹ )

ای پادشاه صورت و معنی که مثل تو      نادیده هیچ و نشنیده هیچ گوش  
(همان: ۱۷۳)

۵-۲- حافظ زاییده و فرزند « باغ های ایزدان »

عبدالوہاب البیاتی در جایی دیگر از این قصیده ، خواجه شیراز را زاییده « باغهای ایزدان » می داند و می گوید : « وَ لِدْتُ فِي حَدَائِقِ «الْآلِهَةِ» ( البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۴ )  
بی تردید شاعری چون حافظ ، مرغ باغ ملکوت است و لقب زاییده باغ های ایزدان، شایسته اوست.

۵-۳- حافظ مورد خطاب هاتف غیبی و حافظ اسرار الهی

شاعر معاصر عرب ، بر این باور است که حافظ مورد خطاب سروش و هاتف غیبی است؛ یعنی سخن حافظ از سخن عادی بشر بیرون است ، یک الهام است و این همان چیزی است که از میر شریف جرجانی استاد حافظ هم نقل شده است.

نادَاكَ فِي الْعَيْبِ مُنَادٍ : « حَافِظُ الْأَسْرَارِ » ( همان: ۲۶۵ )

و این مخاطب هاتف غیب بود و حافظ اسرار الهی بودن چیزی است که حافظ خود در جاهای مختلف به آن تصریح می کند :

سحرز هاتف غیبم رسید مزده به گوش      که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

( حافظ ، ۱۳۷۵: ۱۷۲ )

و یا

هاتفی از گوشه میخانه دوش      گفت: ببخشد گنه می بنوش

لطف الهی بکند کار خویش      مزده رحمت برساند سروش

(همان: ۱۷۲)

و باز می گوید :

حافظ اسرار الهی کس نمی داند خموش  
از که می پرسی که دور روزگاران را چه شد  
(همان: ۱۱۴)

سحرم هاتف میخانه به دولتخواهی  
گفت باز آی که دیرینه این درگاهی  
(همان: ۲۸۰)

#### ۵-۴- جایگاه شیراز در شعر عبدالوہاب البیاتی

شیراز نظر به اینکه مولد و مدفن حافظ بوده، در شعر البیاتی جایگاه ویژه ای یافته و البته به حکم «شرف المكان بالمکین» این حق شیراز است که به خاطر گوهرهای گرانبهایی چون سعدی و حافظ چنین جایگاهی پیدا کند. البیاتی، شیراز را «سرزمین مردان خدا» و «شهر حکمت و شعر» می داند و بدین مناسبت به آن تهنیت و تبریک می گوید.

فَلتُسْعِدِي شِيرَاؤُ  
يَا مَدِينَةَ الْحِكْمَةِ وَالشَّعْرِ  
وَأَرْضَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ (البياتي، ۲۰۰۰:۲۶۶)

همچنین شیراز از آنجا که مدفن و محل وفات حافظ است، شهری قابل احترام و یاد کرد است موضوعی که البیاتی از آن غافل نمانده.

وُلِدَتْ فِي حَدَائِقِ الْإِلَهَةِ  
وَمِتَّ فِي شِيرَاؤُ (همان: ۲۶۵)

ظاهراً توجه به شیراز در شعر البیاتی، ناشی از توجه خود لسان الغیب به این شهر گوهر پرور است و یا به قول البیاتی، «شهر حکمت و شعر» و یا شهر «اولیاء الله» حافظ خود گوید:

خوشا شیراز و وضع بی مثالش  
خداوندا نگه دار از زوالش  
ز رکناباد ما صد لوحش الله  
که عمر خضر می بخشد زلالش

(حافظ، ۱۳۷۵: ۱۷۰)

البته توجه «البیاتی» به شیراز از جهاتی هم جنبه نمادین دارد، و به همین دلیل در چند بند از قصیده خود، شیراز را به عنوان یک مکان نمادین مخاطب قرار می دهد و با آن راز می گوید البیاتی در بندهایی از قصیده خود خطاب به حافظ، شیراز را در قالب یک زیبا رویی تصویر می کند و به توصیف آن می پردازد، بی تردید شیراز می تواند حکم یک زیبا رویی را داشته باشد که مظهر جمال است چرا که شیراز سعدی و حافظ را در دامان خود

می پرورانیده است. عبدالوهاب البیاتی آرزو می کند که زیبا روی شیراز دوباره باز گردد ، یعنی حافظ را دوبار ببیند و از غم فراق حافظ شیراز دور گردد .

متی تعودین ؟

أَنَا فِي أَسْفَلِ السُّلَّمِ مَخْمُورًا

أُنَادِيكَ مِنَ الْحَضِيضِ

مُحْتَرِقًا ، مَرِيضِ

مَوَا جَدِي طَالَتْ

و طَال وَجَعِي شِيرَاژُ ( البیاتی، ۲۰۰۰:۲۶۷)

و حافظ نیز ، شیراز را خال رخ هفت کشور می داند .

شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم عیش مکن که خال رخ هفت کشور است

فرق است از آب خضر که ظلمات جای اوست تا آب ماکه منبعش الله اکبر است

( حافظ، ۱۳۷۵:۴۵)

#### ۵-۵ - حافظ درویش

بیان درویشی حافظ در شعر البیاتی بیانگر گونه ای از مشرب عرفانی خود « البیاتی » است چون در شعر عرب ، واژه « درویش » معادل صوفی و عارف بکار رفته است . اگر چه واژه « درویش » از اصطلاحات صوفیانه فارسی است ولی در شعر شعرای عرب ، به ویژه آنان که گرایش صوفیانه داشته اند فراوان به کار رفته است و عبدالوهاب البیاتی هم از همین قاعده پیروی کرده است و حافظ را به عنوان مصداق برجسته « درویش » خطاب نموده ، البته او به جای واژه درویش واژه « فقیر » را به کار برده است .

و « حافظ » الفقیر فیها

بالعشق و بالصَّهْبَاءِ

جَنَّ بِالْعَشَقِ وَبِالصَّهْبَاءِ .

و أَحْتَرَقَ : ( البیاتی، ۲۰۰۰:۲۶۷)

و حافظ می گوید :

ای صاحب کرامت شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بی نواری

( حافظ ۱۳۷۵:۲۷)

و باز می گوید :

در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی

( همان: ۲۵۵)

دگر زمزل جانان سفر مکن درویش  
که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس  
(همان: ۱۶۴)

۵-۶- چون حافظ مست و بی پروا باش  
عبدالوهاب البیاتی، خود را چون حافظ مست و بی پروا معرفی می کند، حافظی که مست و بی پروا، در آشکار و نهان می می نوشد، همان می و شراب مستانه ای که در کفن نیز شفیع اوست، البیاتی گوید:

أَشْرَبُهُمَا بِالسَّرِّ وَالْعَلَنِ  
فَهِيَ شَفِيعِي  
عِنْدَمَا أُدْرَجُ بِالْكَفَنِ (البیاتی ۲۰۰۰: ۲۶۸)

و حافظ گوید:

زان می عشق کز او پخته شود هر خامی  
گرچه ماه رمضان است بیاور جامی  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۲۶۹)

نوش کن جام شراب یک منی  
دل گشاده دار چون جام شراب  
چون ز جام بیخودی رطلی کشی  
دل به می در بند تا مردانه وار  
تا بدان بیخ غم از دل بر کنی  
سر گرفته چند چون خمّ دنی  
کم زنی از خویشتن لاف منی  
گردن سالوس و تقوا بشکنی  
(همان: ۲۷۵)

کرده ام توبه به دست صنم باده فروش که دگر می نخورم بی رخ بزم آرایسی  
گشته هر گوشه چشم از غم دل دریایی  
کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست  
سخن غیر مگو با من معشوقه پرست  
(همان: ۲۸۲)

مهل که روز وفاتم به خاک بسپارند  
مرا به مکیده بر در خم شراب انداز  
(همان: ۱۶۱)

۵-۷- بی بنیانی دنیا و عمر در نزد حافظ و البیاتی:  
البیاتی با تأسی به حافظ، دنیا را بی بنیان و عمر را به اندازه یک دانه ریگ بی ارزش می داند، و به آن باور است که از عمر جز دانه ریگی (اندکی) نمانده است، پس ارزش تأمل و تعلق ندارد و باید دنبال معبود و معشوق حقیقی گشت.

لَمْ يَبْقَ فِي الْعُمْرِ سِوَى حَبَّةِ رَمَلٍ  
إِنَّ مَعْبُودَةَ قَلْبِي

لَمْ لَا تَصْدَحُ بِالْغِنَاءِ (البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۷)

و ظاهراً این معنی مشعر به این ابیات حافظ است که می فرماید:

بیابان باد است      بیار باده که بنیاد عمر بر باد است  
غلام همت آنم که زیر چرخ کسب بود      زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۴۴)

#### ۵-۸- تأمل البیاتی در اصطلاحات عرفانی شعر حافظ

عبدالوہاب البیاتی در قصیده حافظ خود اشاراتی به «خرقه» و «رهن، گرو» و «پیر می فروش» «جامه» و «جام شکستن» دارد که اینها همه از اصطلاحات و رموز عرفانی است که در شعر حافظ با معانی ژرف خود به طور وسیع به کار گرفته شده اند و صورتهای زیبایی را آفریده اند.

البیاتی می گوید:

لَمْ يَبْقَ فِي الْجِرَّةِ خَمْرٌ  
فَأَكْسِرَ الْقَدْحُ

وَلَنْ رَهْنٍ «الخرقة» عِنْدَ سَيِّدِي الْخَمَّارِ (البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۹)

حافظ می گوید:

خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم      شطح و طامات به بازار خرافات بریم  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۲۲۱)

و باز می گوید:

در همه دیر مغان نیست چومن شیدائی      خرقه جایی گرو و باده و دفتر جایی  
(همان: ۲۸۲)

و باز می گوید:

پیر میخانه همی خواند معمایی دوش      از خط جام که فرجام چه خواهد بودن  
(همان: ۲۳۰)

و باز می گوید:

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات      بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن  
(همان: ۲۳۰)

گر می فروش حاجت رندان روا کند      ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند  
(همان: ۱۲۲)

این موضوع که حافظ، دستار محتسب و فقیه را به مینایی از باده خرد می فروشد بسیار مورد توجه البیاتی قرار گرفته، البیاتی این مفهوم عرفانی را به خوبی در شعر حافظ یافته و به آن پی برده و آنرا در قالب یک سؤال مطرح کرده و می گوید:

مَنْ يَشْتَرِي عِمَامَةَ الْقَاضِي

بِقَيْنَةِ خَمْرٍ

فَهُوَ قَدْ حَرَّمَهُ وَحَلَّلَ الْمَيْسِرَ وَالرِّبَا

وَذَبَحَ الطَّيْرَ وَالْإِنْسَانَ (البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۸)

حافظ گوید:

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوا داد که میحرام، ولی به زمال اوقاف است  
(دیوان حافظ، ۱۳۷۵: ۴۸)

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب چون نیک بنگری همه تزویر می کنند  
(همان: ۱۲۹)

اگر فقیه نصیحت کند که عشق مبارک پیاله ای بدهش گو دماغ را ترکن  
(همان: ۲۳۲)

عاشق از قاضی نترسد می بیار محتسب داند که حافظ عاشق است و آصف ملک سلیمان نیز هم  
(همان: ۲۱۶)

#### ۵-۹- جام باده الهی

البیاتی، حافظ را فردی می داند که با جام باده الهی (سخنان عارفانه خود) زخم های نوع بشر را مرهم می نهد، البیاتی می گوید:

بِقَدْحِ الْخَمْرِ الْإِلَهِيِّ تَدَاوَيْتَ

صَرَخْتَ بَأَكْبَأُ فِي حَانَةِ الْأَقْدَارِ (البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۸)

و حافظ خود این موضوع را در جاهای مختلف اینگونه بیان می کند:

بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم گرامتجان بکنی می خوری و غم نخوری  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۲۶۱)

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی چشم آسایش که دارد از سپهر تیز رو  
دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی ساقیا جامی به من ده تا بیا سایم دمی  
ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی در طریق عشق بازی امن و آسایش بلاست  
(همان: ۲۷۱)

و البته سخن حافظ هم مرهم زخم های دل نوع بشر است . و این از نکات کلیدی سخن عبدالوہاب البیاتی درباره اندیشه و گفتار لسان الغیب است .

نتیجه

از مجموعه گفتار فوق نتایج ذیل حاصل می گردد:

۱- حافظ شیرازی به عنوان یک شخصیت ادبی جهانی در شرق و غرب عالم مورد عنایت شاعران و ادیبان بزرگ جهان بوده است، این موضوع در مغرب زمین توسط گوته آلمانی به کمال رسید و در جهان عرب شاعران و نویسندگان فراوانی از جمله محمد مهدی الجواهری ، و عبدالوہاب البیاتی به شعر و اندیشه های خواجه حافظ شیرازی عنایت داشته اند .

۲- قصیده « مویه نامه ای برای حافظ شیرازی » عبدالوہاب البیاتی ، حاصل سفر کوتاه مدت او به ایران در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی قبل از ارتحال شاعر می باشد که در مجموع بیانگر آشنایی شاعر معاصر و بزرگ جهان عرب با افکار و مشرب صوفیانه و عارفانه حافظ می باشد .

۳- توجه به شیراز به عنوان مولد و مدفن خواجه در شعر عبدالوہاب البیاتی ، به سان شعر خود حافظ جایگاه ویژه ای دارد .

۴- عبدالوہاب البیاتی در قصیده خود از حافظ به عنوان « پادشاه شعر » و جایی دیگر با عنوان « نوه پادشاهان » یاد می کند، او حافظ را زاده « باغ های ایزدان » می داند که مورد خطاب « هاتف غیب » و « حافظ اسرار الهی » است، از « فقر » و « درویشی » حافظ با تعبیر زیبا سخن می گوید .

۵- پرداختن به اصطلاحات عرفانی همچون ، می ، پیر ، می فروش ، محتسب ، مست ، خرقة ، گرو ، و امثال آن ، از جمله مواردی است که در قصیده عبدالوہاب البیاتی ، پیرامون شعر حافظ مورد توجه قرار گرفته است .

کتابنامه

الف - کتابهای فارسی

- ۱- آذر ، امیر اسماعیل (۱۳۸۷ش)، «ادبیات ایران در جهان» تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۲- اسوار ، موسی (۱۳۸۱ش)، «پیشگامان شعر امروز عرب»، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول .
- ۳- بهار ، محمدتقی ، ملک الشعراء (۱۳۶۸ش) «دیوان ملک الشعراء»، تهران: انتشارات توس، چاپ پنجم.
- ۴- حافظ ، شیرازی (۱۳۷۵ش)، «دیوان حافظ» ، به کوشش جعفر صادق نژاد ، تهران : نشر قطره ، چاپ اول.
- ۵- حدیدی، جواد (۱۳۷۳ش)، «از سعدی تا آراگون»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.

- ۶- زرین کوب ، عبدالحسین (۱۳۷۴ش) «آشنایی با نقد ادبی» ، تهران: انتشارات سخن، چاپ سوم.
- ۷- زیبایی ، محمدعلی (۱۳۷۶ش)، «شرح صد غزل از حافظ» ، تهران: نشر پاژنگ، چاپ اول.
- ۸- شفا ، شجاع الدین (۱۳۳۷ش)، «دیوان شرقی گوته» (ترجمه)، تهران : ابن سینا، چاپ اول.
- ۹- شفا ، شجاع الدین (۱۳۳۳ش)، «ایران در ادبیات جهان»، تهران : ابن سینا، چاپ اول.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰ش)، «شعر معاصر عرب»، تهران : انتشارات سخن ، چاپ دوم.
- ۱۱- هنرمندی ، حسن، (۱۳۴۹ش)، «آندره ژید در ادبیات فارسی»، تهران : انتشارات زوار ، چاپ دوم.
- ب- کتابهای عربی
- ۱۲- احسان ، عباس (۱۹۵۴م) ، «عبد الوهّاب البیّاتی»، الشعر العراق الجدید ، بیروت، دار صادر ، ط ۲.
- ۱۳- اسکندری، احمد و دیگران (۱۹۳۴م) ، «المفصل فی تاریخ الادب العربی» ، قاهره ، بولاق، ط ۱.
- ۱۴- البیّاتی، عبد الوهّاب (۱۹۹۳م)، «کنت اشکو الی البحر» ، بیروت: الموسسه الادبیه للدراسات و النشر، ط ۱.
- ۱۵- البیّاتی، عبد الوهّاب (۲۰۰۰م) ، «دیوان» ، بیروت ، دارالعودة ، ط ۲.
- ۱۶- البیّاتی، عبد الوهّاب (۱۹۶۸م)، «الموت فی الحیاه» ، بیروت، منشورات دارالآداب، ط ۱.
- ۱۷- جاسم ، عزیز السید (۱۹۹۰) «الالتزام والتصوف فی شعر عبد الوهّاب البیّاتی» ، بغداد: دائرة الشؤون الثقافیة العامة، ط ۱.
- ۱۸- الخیاط، جلال (۱۹۷۰م)، «الشعر العراقی الحدیث» ، بیروت، دار صادر ، ط ۲.
- ۱۹- سنیر، رووبین (۲۰۰۲)، «رکعتان فی العشق» بیروت: دارالساقی، الطبعة الاولى.
- ۲۰- صالح ، مدنی (۱۹۶۹)، «البیّاتی والخیام وحانة...» قاهره: مجلة الآداب، شباط ۱۹۶۹
- ۲۱- محمدی ، محمد (۱۳۷۰ش)، «درس اللغة و الادب» ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ط ۱.
- ۲۲- مطران، خلیل (۱۹۸۴)، «دیوان» ، بیروت: دارصادر ، ط ۲.
- ۲۳- ندی ، طه (۱۹۹۴م) ، «الادب المقارن» ، بیروت: دارالفکر، ط ۲.



فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)  
(علمی-پژوهشی)  
سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی سوم، بهار ۱۳۹۰

عبدالوهاب البیاتی و الحافظ الشیرازی

الدكتور: احمد پاشا زانوس\*  
استاذ مساعد فی جامعة الامام خمینی الدولية (ره) - قزوین

الملخص

يعدّ عبدالوهاب البياتي ( ١٩٩٩م) أحد شعراء الكبار العرب المعاصرين . ولقد تأثر في مواضع عديدة من آثاره و أشعاره من أئمة شعر ايران و آدابها . منهم ؛ الحافظ الشيرازي و الخيام النيسابوري . في هذا البحث ، نقوم ببيان التأثيرات و خصوصاً أثر أفكارالحافظ العرفانية و أشعاره على أفكار و أشعار عبدالوهاب البياتي . و من جملتها ؛ « قصيدة بكائية إلى حافظ الشيرازي » التي قد أنشدت متأثرةً من آراء الحافظ العرفانية. التدقق في المفاهيم العرفانية الموجودة في هذه القصيدة و حدود تأثر البياتي منها و من مذهب الحافظ العرفانية؛ من الموضوعات الاخرى التي يقوم الباحث بدراستها دارسة تحليلية في هذا المقال.

الكلمات الدليلية

الحافظ الشيرازي ، عبدالوهاب البياتي ، الشعرا العرفاني، الآداب المقارن، الادب الفارسي و العربي

تاريخ القبول : ١٣٩٠/٠٣/١٥

\* تاريخ الوصول : ١٣٨٩/١٢/٢١

عنوان بريد الكاتب الالكتروني: ahmad\_pasha95@yahoo.com